

جغرافیای جنایی

دکتر حسین حاتم‌نژاد

استادیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

روح... محمدی

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران

چکیده

مکتب جغرافیای جنایی در سال ۱۸۳۰ به وجود آمد و چند دهه عمر کرد ولی امروزه به شکل اولیه آن، در جامعه شناسی جنایی مطرح نیست. جغرافیای جنایی رادو ریاضیدان و حقوقدان به نامهای کتله^(۱) بلژیکی و گری^(۲) فرانسوی پایه گذاری کردند. کتله ریاضیدان و متخصص آمار بود و از طریق ریاضیات و آمار رفتارهای انسانی را بررسی می‌کرد و در فرانسه، آمار جنایی را با کمک گری ایجاد کرد و ارتباط آن را با محیط طبیعی مورد بررسی قرار دادند و به این ترتیب تأثیر شرایط جغرافیایی، شرایط آب و هوایی و شرایط جوی را بر رفتار انسانها و از جمله بر رفتارهای مجرمانه مورد بررسی قرار دادند. این مکتب تا سال ۱۸۸۰ عمر کرد.

واژگان کلیدی: جرم، محیط طبیعی، اکولوژی، مکتب جغرافیایی، جغرافیای جنایی

مقدمه

پدیده جرم یکی از بزرگترین مشکلات اجتماعی و از خطرناک‌ترین آفت‌های ممکن به شمار می‌آید. به طوری که از دید زمان باعث اشتغال فکری افراد و تمام اجتماعات شده است و در نتیجه هر فرد و هر اجتماعی فراخور اندیشه و فکر خویش به چاره‌جویی پرداخته و طرفی برای مبارزه با آن انتخاب کرده‌اند ولی تاکنون موفق به ریشه کن کردن آن نشده‌اند و علت عدم موفقیت در مبارزه علیه جرم را در واقع باید در عدم تشخیص جرم به علت عدم کوشش در راه شناخت آن و عوامل بوجود آورنده‌اش دانست. در این تحقیق شناخت علت جرم و ریشه‌های آن با اعتبار رابطه علیت نقش ویژگی‌های محیط طبیعی در ارتباط با بزهکاری مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

جهت‌گیری میان رشته‌ای

حوزه محیط و رفتار ذاتاً برآیند چند رشته است. پژوهشگران این حوزه از متخصصان رشته‌های گوناگون علوم اجتماعی و طبیعی‌اند مانند روانشناسی، جامعه‌شناسی، جغرافیا، زیست‌شناسی، مردم‌شناسی، و نیز متخصصان رشته‌های کاربردی یا عملی مانند معماری، برنامه‌ریزی شهری و اجتماعی، طراحی داخلی، طراحی فضاهای اداری و طراحی هستند که هر

کدام از دید خود به این موضوع به بحث می‌پردازند (آلمن، ۱۳۸۲: ۳). که ما در این جا از دید جغرافیایی و با کمک مکتب جغرافیایی به این موضوع می‌پردازیم.

مکتب جغرافیایی

این مکتب که امروز امریکایی‌ها به آن نام اکولوژی (بوم‌شناسی) که شناسایی و تحقیق روابط فرد با محیط طبیعی است، داده‌اند توسط کتله بلژیکی و گری فرانسوی پایه گذاری شد و در بین سالهای ۱۸۳۰ تا ۱۸۸۰ در فرانسه گسترش و رونق بسیار یافت تا انگلستان و آلمان ریشه دواند و این دو کشور را تحت نفوذ خود درآورد، ولی بعد در پرتو فراموشی فرو شد، زیرا وجود مکاتب پرسروصدایی چون مکتب تحقیقی و مکتب محیط اجتماعی راه پیشرفت مکتب جغرافیایی را سد کرد و افکار را به طرف نظریه‌های جدید جلب نمود. گرچه این مکتب که با سرعت مشهور شد با سرعت هم از خاطر‌ها محو گشت، ولی در سالهای اخیر توسط دانشمندان امریکایی مخصوصاً توسط آلفرد لندسمیت^(۳) و یال لون^(۴) در این سرزمین زنده شده و سریعاً پیشرفت کرده و در اتریش نیز مورد توجه جرم‌شناسان قرار گرفت.

کتله بلژیکی و گری فرانسوی با تحقیقاتی که به صورت علمی در اطراف بزهکاری بعمل آوردند، در حقیقت اولین سنگهای ساختمان جامعه‌شناسی کیفری را پایه گذاری کردند (مظلمان، ۱۳۵۳: ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷).

«کتله و گری» با استفاده از گردآوری آمار جنایی رشته‌ای را بوجود آوردند به نام «جغرافیای جنایی (نقشه‌برداری جنایی)» اینان مجموعه جرائم را صرف‌نظر از نوع آن مورد مطالعه قرار دادند، با توجه به جغرافیا و شرایط اقلیمی هر منطقه. «کتله» بزهکاری را تابعی از نحوه استقرار شهرها و حصول و نحوه آب و هوا می‌دانست (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸: ۲).

به طور کلی مکتب جغرافیایی ضمن توجه شدید به اجتماع و عوامل مختلفی که در آن به جرم شکل و پیکره می‌دهند، تحقیقات اصلی خود را از رابطه محیط طبیعی با بزهکاری آغاز کرد و (قانون حرارت) را که مود توجه سایر مکاتب بعدی نیز قرار گرفت، به وجود آورد و بوسیله آمار نوع جرم ارتكابی و دلایل افزایش و کاهش آن را در مناطق و زمانهای مختلف مورد

بررسی قرار داده است (مظلومان، ۱۳۵۳: ۱۹۳).

کنله در بررسی قوانین جغرافیایی به این نتیجه رسید که هر فردی همیشه تحت تأثیر عوامل جغرافیایی در معرض برخی گرایش‌های جرم‌زا قرار می‌گیرد. همان‌طور که میل زناشویی و یا خودکشی در او ایجاد می‌شود. این محقق ضمن اشاره به اثر عوامل جغرافیایی بر اخلاق و روحیات افراد معتقد بود که شرایط اقتصادی و اجتماعی و کلیه سازمانها و تشکیلات نیز تابع شرایط جغرافیایی می‌باشد.

سپس گری فرانسوی تحت تأثیر افکار کنله به بررسی رابطه گرما و سرما و محیط‌های مختلف با جرم می‌پردازد و اثبات می‌کند که محیط جغرافیایی در نوع و رقم جرائم شدیداً مؤثر است (همان منبع، ۲۹۸).

روش کمی (آمار جنایی)

یکی از منابع مطالعات کمی در جرم‌شناسی آمار جنایی است. یعنی استفاده از ریاضی و محاسبات در هنگام مطالعه پدیده مجرمانه. کنله ریاضیدان بلژیکی با استفاده از آمار جنایی جدیدالتأسیس در دادگستری فرانسه نوسانات جرم و بزهکاری را در استانهای مختلف فرانسه مورد مطالعه قرار داد. توضیح آنکه علم ریاضی در بحث آمار جنایی مورد استفاده جرم‌شناسی بوده است.

در مورد تاریخچه استفاده از متدهای کمی باید گفت که برای نخستین بار در سال ۱۸۲۶ آماردانی به نام کنله به همراه یک قاضی کیفری به نام گری بود که تصمیم گرفت احکام دادگاه‌های کیفری را احصا کند و از این طریق میزان جرایم و رابطه آن را با اقلیم استانهای مختلف فرانسه بررسی نماید (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۱: ۳۰). «گری که مدیر کارهای مربوط به جرایم در وزارت دادگستری فرانسه بود، نمونه‌های مختلفی از جرائم را در هشتاد و هفت بخش فرانسه در سال ۱۸۲۵ تا ۱۸۳۰ جمع‌آوری و ثبت کرد و آمار قابل توجهی از کسانی که به جرم مشهور شده بودند بدست آمد. کارشناسان روی بیشتر مجرمانی که نشانه‌های از جرم داشتند و همچنین آنهایی که سابقه‌دار بودند در یافتند که اساس این جرایم بر پراکنش در محیط‌های جغرافیایی مرتبط می‌باشد.» (Joseph, 1941:29)

هدف از تهیه آمار فراهم کردن زمینه برای مطالعات جرم‌شناختی نبود زیرا جرم‌شناسی حدود ۵۰ سال بعد در سال ۱۸۷۶ تأسیس شد. در واقع اندیشه تدوین آمار قضایی از اندیشه‌های ناپلئون بود. اما هدف او از این کار این بود که نیازهای وزارت دادگستری را در سالهای آینده مورد ارزیابی قرار دهد. در سال ۱۸۳۲ کنله به صرافت افتاد تا از این آمار برای مطالعه رابطه میان محیط طبیعی و رفتارهای مجرمانه استفاده کند. در پرتو این مطالعات نظریه‌ای به نام جغرافیای جنایی یعنی مطالعه تأثیر محیط طبیعی و فیزیکی بر رفتار مجرمانه به وجود آمد. در واقع آمار قضایی فرانسه به اولین مطالعات علمی جرم‌شناسی کمک کرد.

به طور خلاصه آمار جنایی ابتدا برای نیازهای درون سازمانی دستگاه قضایی بود و پس از آن برای به دست آوردن اطلاعاتی که ببینند آب و هوا و شرایط اقلیمی یعنی محیط فیزیکی و طبیعی تا چه اندازه بر رشد و کاهش

جرم مؤثر است، به کار رفت (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۱: ۳۰).

جرم‌شناسی

نخستین مطالعات در جرم‌شناسی، در حوزه جامعه‌شناسی مطرح شدند. این امر به علت تولد جامعه‌شناسی عمومی از یک طرف و به لحاظ تدوین آمارهای جنایی فرانسه با کمک روشها و الگوهای معمول در ریاضی از طرف دیگر بود.

در قالب مطالعات مربوط به گرایش جامعه‌شناختی جرم همان‌طور که گفته شد، دو نفر فعالیت چشمگیری داشته‌اند که بعدها در ایجاد آمار جنایی کمک قابل توجهی نمودند. این دو نفر عبارتند از «کنله» و «گری» این دو با توجه به مشاهدات خودشان مسأله‌ای را مطرح کردند که در جرم‌شناسی تحت عنوان «قانون حرارتی» قرار گرفت.

قانون حرارتی جرم یکی از آورده‌های مطالعات کنله است که کنله به وسیله آن بنیانگذار مکتب کار توگرافی یا جغرافیای جنایی مشهور شد. کنله و گری بر اساس مطالعات آماری به این نتیجه رسیدند که در فصول گرم و مناطق گرم جرائم خشونت‌آمیز بیشتر به وقوع می‌پیوندد و حال آن که در مناطق سردخیز و فصول سرد سال یک کشور جرائمی که بیشتر نیرنگ‌آمیز و با توسل به تفکر و قوه تخیل صورت می‌گیرد مانند جرائم علیه اموال بیشتر به وقوع می‌پیوندد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۰: ۱۵).

انتقاد از قانون حرارتی

استدلال کنله و گری این بود که چون در فصول گرم سال و مناطق گرمسیر، روزها بلند است، قاعدتاً ساعات فعال و مدت کار افراد نیز افزایش می‌یابد، لذا امکان برخورد بین افراد در سطح وسیعی وجود دارد. برخلاف فصول سرد که فعالیت کاهش می‌یابد جرائم بیشتر ناشی از نیرنگ به چشم می‌خورد.

استدلال کنله و گری مردود است چون اولاً صرف نظر از کوتاه یا بلند بودن روز با توجه به اهمیتی که به اوقات فراغت افراد داده می‌شود امکان این که افراد در مقابل هم قرار گیرند وجود ندارد. ثانیاً به لحاظ وجود رسانه‌های گروهی مفهوم شب و روز از بین رفته است. با این حال این نظریه به عنوان طرز فکری که بر اساس مشاهدات و بر اساس آمارگیری در بلژیک و فرانسه بوجود آمد و بعنوان گام اول در آغاز دوران جرم‌شناسی علمی از اهمیت برخوردار می‌باشد. (همان منبع، ۱۵)

محیط و روابط آن با بزهکاری

واژه محیط در زبان فارسی و در لغت به معنای احاطه کننده، دربرگیرنده جای زندگی آدمی آمده است. در زبان انگلیسی محیط معادل^(۵) به معنی محیط متغیر و ناپایدار مورد استعمال دارد. اما در جرم‌شناسی مراد از محیط حالت سکون یا ایستایی آن یعنی دنیایی که ما را احاطه کرده نبوده بلکه تأثیر بخشی و نقش فعال و پویایی محیط که باعث رشد و تکامل شخصیت انسانی است مورد نظر می‌باشد. (ولیدی، ۱۳۵۸: ۴۳)

مطالعه جرائم بدون توجه به تأثیر عوامل محیط جغرافیایی در بروز جرم از نظر جرم‌شناسی کافی نخواهد بود زیرا جرم‌شناسی درباره علت بروز جرم به تحقیق می‌پردازد و جرم را مربوط به فرهنگ و تمدن و تابع زمان و مکان می‌داند و به همین مناسبت تأثیر محیط طبیعی بر زندگی اجتماعی مردم حائز اهمیت می‌باشد. (همان منبع، ۷۴)

در خصوص رابطه محیط فیزیکی آنچه مهم است این است که مطالعات در این زمینه عمدتاً با روش «تک‌نگاری» می‌باشد. مثلاً برای جواب دادن به میزان قاچاق مواد مخدر شرایط جغرافیایی، فاصله شهر با مرزهای بین‌المللی، حضور اتباع بیگانه، بررسی امکانات قاچاق باید مورد لحاظ قرار گیرد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۰: ۲۷)

اثر آب و هوا بر بزهکاری

از نظر ارتباط شرایط محیط زندگی با پدیده بزهکاری تأثیر آب و هوا بیش از سایر جنبه‌های محیط جغرافیایی مورد تحقیق قرار گرفته است که در این مورد برای اولین بار قانون حرارت و بزهکاری توسط گری و کتله بیان گردید که بعداً به وسیله فری جرم‌شناس ایتالیایی مورد تأیید قرار گرفت. (ولیدی، ۱۳۵۸: ۵۰)

«ابن خلدون» معتقد است که آب و هوا و محیط طبیعی از مهمترین عوامل به وجود آورنده شرایط اجتماعی است (همان).

«متسکیو»^(۶) نیز طرفدار عقیده ابن خلدون است و در خصوص محیط فیزیکی، در کتاب روح‌القوانین مطلبی نوشته است. او می‌گوید: آب و هوا بر منش و خلق و خوی و آداب و رسوم انسان‌ها تأثیر می‌گذارد و همان‌طور که طبیعت آب و هوا را با درجات عرض و طول جغرافیایی نمایش می‌دهند می‌توان به وسیله درجه حساسیت سکنه هر محل هم، طبیعت آب و هوا را تشخیص داد (متسکیو، ۱۳۶۲: ۳۹۳). «کتله و گری» عواملی را که بر فرد تأثیر می‌بخشد ناشی از محیط طبیعی (آب و هوای جغرافیایی)، فیزیولوژی (سن، جنس، نژاد) و اجتماعی (اشکال مختلف اجتماعی، سازمانها، مرتبه فرهنگی، شغل) می‌دانند (مظلومان، ۱۳۵۳: ۸۱).

«اگوست کنت»^(۷) معتقد است که محیط طبیعی به طور مداوم در روی اعضای بدن انسان و محیط اجتماعی تأثیر می‌گذارد. او این تأثیر را به دو صورت عملی می‌داند: الف - تأثیر فیزیکی مانند اثر گرما، سرما، فشار، نور... ب - تأثیر شیمیایی مانند آب، تغذیه، هوا (همان منبع، ۸۲).

«لاکاسنی»^(۸) در این بار معتقد است که در ماه ژوئیه (مرداد) میزان ضرب و جرح و قتل به اوج خود می‌رسد. تجاوز به عنف در ماه می (اردیبهشت) زیاد می‌شود و در ماه دسامبر (آذر) به حداقل می‌رسد. نوزادکشی در ماه‌های ژانویه (دی)، فوریه (بهمن)، مارس (اسفند) به بیشترین حد خود می‌رسد. با مطالعه دیگری در آمریکا در اواخر قرن هجده نشان داده شد که دمای هوا بر حالت عاطفی و احساس تأثیر می‌گذارد. فشار هوا جرایم خشونت‌آمیز را بالا می‌برد. رطوبت و جرایم خشونت‌آمیز با یکدیگر رابطه معکوس دارند. باران منجر به کاهش جرایم خشونت‌آمیز می‌شود. بادهای ملایم منجر به کاهش تعرضات مسلحانه می‌شود (نجفی

ابرندآبادی، ۱۳۸۱: ۱۳، ۳۹). این دیدگاه‌ها امروزه در جرم‌شناسی بیشتر جنبه تاریخی دارد. اگرچه در آن زمان انقلابی بوده است.

مکتب شیکاگو (بوم‌شناسی)

بوم‌شناسی جنایی یا اکولوژی عبارت است از: تأثیر زیستگاه فردی، محل زیست فرد در رفتار مجرمانه فرد. زیستگاه مفهوم کلی است که شامل اوضاع و احوال و شرایط خاص محل زندگی فرد می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸: ۱۵). پس بوم‌شناسی جنایی یعنی بررسی تعامل و کنش متقابل بین فرد و شرایط محیط زیست او یا تأثیر شرایط محل زیست او در رفتار وی، با این مقدمه باید گفت که بوم‌شناسی جنایی تا اندازه زیادی ریشه در همان تفکر کتله دارد. شاو و مکی بعد از حدود ۷۰ سال که از مطالعات کتله و گری می‌گذشت، مجدداً به مسائل اکولوژی و بوم‌شناسی پرداختند. شاو و مکی میان بوم‌شناسی (محیط زیست) انسانها و گیاهان مقایسه‌ای انجام دادند و گفتند همان‌گونه که اگر گیاهان از نظر خاک مساعد، فضای کافی، هوای غیر آلوده و... در مضیقه باشند رشد نمی‌کنند و پژمرده می‌شوند و در هر حال زندگی غیرعادی را خواهند داشت. محیط در قلمرو انسانها و بوم‌شناسی انسانها نامساعد بودن شرایط محیط زیست ایجاد اختلال می‌کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۲: ۵۶).

رابرت پارک^(۹) بنیان‌گذار این مکتب اصولاً تحت تأثیر اندیشه داروین، زیمبل و کنش متقابل نمادی قرار داشته است و کوشش کرد تا تشبیهی میان محیط طبیعی و محیط اجتماعی برقرار سازد و در واقع او بنیان‌گذار جامعه‌شناسی شهری بود. او و شاگردانش به تحقیقات در مورد انحرافات اجتماعی در مناطق شهری که ارقام بالاتر جرم و جنایت را دارند می‌پردازند و می‌توان گفت که بنیان‌گذار مکتب شیکاگو به دو موضوع اصلی توجه داشتند.

۱- توزیع فعالیتها در فضا و زمان در محیط شهری چگونه مانع دستیابی به اهداف جمعی می‌شوند.

۲- این نحوه توزیع چگونه بر وجه اجتماعی افرادی که در معرض آن قرار دارند تأثیر می‌گذارد (ممتاز، ۱۳۸۵: ۸۱)

مکتب اثبات‌گرایی

پایه‌گذاران مکتب اثبات‌گرایی بخصوص در ارتباط با مطالعه جرم و جنایت آدلف کتله ریاضی‌دان بلژیکی و آندره میشل‌گری حقوقدان فرانسوی بودند. آنها از آماری که در آغاز قرن نوزدهم در اروپا در زمینه‌های گوناگون مانند جمعیت و تراکم آن، گرایش‌های دینی و میزان ثروت برای تعیین روابط اجتماعی بود، استفاده می‌کردند. هر یک از این دو متفکر به تنهایی کار می‌کردند. اما هر دو هم‌زمان به ارقام جنایت نیز توجه داشتند و دریافته‌اند که ارقام جنایت در طول سالهای مختلف در کشورشان ثابت است پس به این نتیجه رسیدند که پدیده‌ای در ساخت اجتماعی، ارقام جنایت را ثابت نگاه می‌دارد و با یافتن آنها می‌توان جنایت را از بین برد. این دو متفکر در واقع بنیان‌گذار جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی هستند. اثبات‌گرایی به

دو بعد اصلی توجه داشتند:

الف: اینکه رفتار انسان کارکرد نیروهای بیرونی است که فراتر از اختیار فرد هستند.

ب: نیروهای شخصی و روانی که بر رفتار تأثیر می‌گذارد (همان منبع، ۲۷).

الگوهای انسانی در حوزه رفتار و محیط

ایروین آلتمن به سه الگوی انسانی در حوزه رفتار و محیط اشاره می‌کند. الگوی ماشین‌انگار انسان: این الگو از تحلیل سیستم‌های سخت‌افزار محور مهندسی انسان در دو دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ شکل گرفت. در واقع رویکرد سیستم‌ها (انسان - ماشین) خواستار طراحی ابزارهایی بود که با محدودیتها و توانایی‌های جسمی، حسی، حرکتی، فکری انسان هماهنگی داشته باشد و شعار آن این بود که ماشین را با انسان هماهنگ کنید. ریشه‌های این رویکرد به پژوهش‌های صنعتی - روانشناختی زمان و حرکت، صرف انرژی و... (در دو دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰) باز می‌گردد.

الگوی ادراکی - شناختی - انگیزشی انسان: واکنش‌های ادراکی به محیط اینکه فرد چطور محرک‌های محیطی را درک و سازماندهی می‌کند و به آن واکنش نشان می‌دهد و واکنش‌های شناختی به محیط (پسپیدگی و معنای محیط) و حالت عاطفی و انگیزشی مرتبط با محرک‌های محیطی (فشار روانی و احساسات منفی یا مثبت) می‌باشد.

الگوی رفتاری انسان: در این رویکرد انسان موجودی رفتارگرا به شمار می‌رود و به جای احساسات و افکارش بر رفتار و کردارش تأکید می‌شود. در این جا بیشتر به وابستگی‌ها یا تشویق‌های محیطی به مثابه عوامل تعیین کننده رفتار تأکید و تلاش می‌شود وابستگی‌های رفتاری شناخته و در طراحی محیطی اعمال شود.

الگوی بوم‌شناختی: ویژگی‌ها، الف: محیط و رفتار آنقدر در هم تنیده شده‌اند که به سختی می‌توان آنها را از هم تفکیک کرد. ب: روابط محیط و افراد در قالب نظام بوم‌شناختی بررسی می‌شود که در آن محیط‌ها و افراد تأثیر دوجانبه و دوگانه با هم دارند. ج: این رویکرد همچنین کیفیت روابط انسانها با محیط را پویا و در حال تغییر فرض می‌کند و د: رابطه افراد محیط در چند سطح برقرار می‌شود و نظامی یکپارچه را تشکیل می‌دهد. (آلتمن، ۱۳۸۲: ۲۴۸)

بررسی جرم در محیط‌های مختلف

جامعه‌شناسان کیفی اثبات می‌کنند که جرم و عوامل بوجود آورنده آن در نقاط مختلف، یکسان نیست و در یک حد مساوی هم اتفاق نمی‌افتد، یعنی مناطق هم از نظر نوع جرم و هم از نظر تعداد و هم از نظر شدت وضعیت آن و هم از نظر عوامل اثربخش با یکدیگر اختلاف دارند. این اختلاف نه تنها در سطح کشورها کاملاً صدق می‌کند بلکه در مورد اجتماعات کوچک مانند شهرها، حتی محله‌های یک شهر نیز صادق می‌باشد (مظلومان، ۱۳۵۳: ۲۸).

لومبروزو از زمره کسانی بود که به این امر توجه کرد، مخصوصاً جرائم

ارتكابی شهر و روستا از نظر اختلاف رقم را مورد توجه کامل قرار داد و نتیجه گرفت تعداد جرم‌هایی که در شهرها به وقوع می‌پیوندد، بر آنچه که در روستاها رخ می‌دهد افزونی کامل دارد. به دنبال تحقیقاتی که لومبروزو انجام داد، دکتر لاکاسانی نیز به بررسی بزهکاری در شهر و روستا پرداخت و ثابت کرد که بزهکاری در محیط‌های شهری هم از نظر کمیت و هم از نظر کیفیت با روستا فرق بسیار دارد (همان منبع، ۳۵۴). از دیدگاه جرم‌شناسی تأثیر شهرنشینی و تمدن در رفتار انسانی و بروز کجروی و انحرافات مورد توجه قرار گرفته زیرا زندگی شهری سلامت جسمانی و روحی و اخلاق افراد به مخاطره می‌افکند (ولیدی، ۱۳۸۵: ۷۹). کتله بر مبنای بررسی‌های به عمل آورده، معتقد شده است که شهرهای بزرگ که توده‌های انبوه جمع را در خود روی هم انباشته می‌کند، بیشتر در معرض ارتکاب جرائم مختلف قرار دارند (همان منبع، ۱۹۲).

طبق آمار و شواهد موجود در شهرهای بزرگ هزینه‌های حفاظت در اماکن ناسالم بسیار زیاد است. این هزینه‌ها شامل مخارج آتش‌نشانی و حفظ سلامت ساکنان و سایر هزینه‌ها می‌شود. به عنوان مثال در شهرهای بزرگ ممالک متحده آمریکا جمعاً ۴۵٪ هزینه‌های شهرداری صرف ۲۰٪ مسکن ناسالم شده است. حدود ۷۵٪ از بیمارهای روانی در نواحی شهرهای ناسالم و در مناطق مسکونی پرجمعیت مشاهده شده است (در شیکاگو و پاریس) ناسالم بودن مسکن با بزهکاری کودکان و جوانان ارتباط مستقیم دارد. به عنوان مثال در لوس آنجلس مشاهده شده است که در مسکن ناسالم نسبت بزهکاری جوانان ۶۸ در هزار و در مسکن معمولی ۱۰ در هزار کل ساکنان است. در فرانسه ۷۵٪ بزهکاری در محلات و مناطق ناسالم مشاهده شده است. در فرانسه مطالعات نشان می‌دهد که با تغییر مسکن نامطلوب افراد از لحاظ ذهنی تا حدودی در زندگی احساس بهبود کرده‌اند. (بررسی‌های فوق در مرکز تحقیقات علمی فرانسه C.N.R.S انجام شده است) (جارجی، ۱۳۷۵: ۹۴).

نتیجه گیری

بدون شک محیط طبیعی در زندگی انسان مداخله می‌کند و سبب می‌شود که تغییراتی در آن حاصل شود، ولی انتقاد بزرگی که به برخی از محققان وارد است، آنست که بدون توجه به جمعیت، شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگ، سطح تمدن و تعلیم و تربیت و... جوامع آنها را صرفاً از نقطه نظر تأثیر محیطی و آب و هوا مورد بررسی قرار داده و نتیجه‌گیری کرده‌اند. همان‌طور که آگابرن و نیمرکف ضمن تأیید تأثیر محیط طبیعی و پذیرفتن آنکه عواملی مانند سردی و گرمی و خشکی و رطوبت در زندگی افراد نقش فراوان ایفا می‌کند، روش برخی محققان که راه افراط را پیموده، و اهمیتی بیش از حد برای مداخلات محیط جغرافیایی قائل شده‌اند، مورد شمتات قرار می‌دهند.

جغرافیای جنایی امروزه تا اندازه‌ای زیر سؤال رفته است. زیرا فناوری‌های جدید و تحولات بشری به انسان امکان داده تا اندازه‌ای در این محیط دست‌کاری کند. مثلاً در کشور لیبی از آنجا که بخشی از آن کنار

States (Sep., 1941)

- 1- Quetelet (1796-1874)
- 2- Guerry (1802-1886)
- 3- Alfred Lindsmith
- 4- Yale Levin
- 5- Environment
- 6- Montesquieu 1689-1755
- 7- August Conte
- 8- Lacassagne
- 9- Robert Ezra park
- 10- Franz Boas

پی‌نوشت

دریاست و بخش وسیعی از آن کویر است، دولت پروژه‌های انجام داد و آب شیرین را از طریق کانال منتقل کرد. این عمل محیط جدیدی به وجود آورد و جغرافیا را بر هم زد و صحرا را تبدیل به جنگل کرد. بنابراین در جرم‌شناسی نمی‌توان گفت که محیط جغرافیایی صد در صد طبیعی است. باید پذیرفت که عوامل طبیعی در فعالیت‌های انسانی تأثیر عمیق ندارد و نمی‌تواند مبین زندگی فردی و اجتماعی و یا رفتار بدنی و روانی انسان شوند و بنابراین همانطور که مردم‌شناس تیزبین، فرانتس بوآس^(۱۰) گفته است، محیط طبیعی در عرصه زندگی اجتماعی عاملی قاطع و تعیین کننده نیست بلکه خود زیر سلطه جامعه قرار دارد. (مظلومان، ۱۳۵۳: ۴۸)

در واقع اثر محیط طبیعی را می‌توان کاملاً به الکل تشبیه کرد که به افراد مختلف اثرات گوناگون دارد. اگرچه محققان و دانشمندان تأثیر محیط طبیعی را بر فرهنگ جوامع به طور قاطع پذیرفته بودند ولی امروز دیگر کمتر کسی تأثیر آن را قطعی می‌داند یا لافل می‌توان گفت در جوامعی که وسایل لازم را برای مبارزه با آن تهیه کرده‌اند فاقد قدرت است. (همان منبع، ۳۵۰)

منابع و مآخذ

- ۱- ایروین آلمن، محیط و رفتار اجتماعی، ترجمه علی نمازیان، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۲.
- ۲- جاجرمی، کاظم، تنگناهای توسعه: مجموعه‌انسان و محیط، نشر دانشگاه آزاد واحد اهواز، بهار، ۱۳۷۵.
- ۳- ژان بینا تل، ترجمه: رضا علوی، جرم‌شناسی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۵.
- ۴- مظلومان، رضا، جامعه‌شناسی کیفری، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۳.
- ۵- ممتاز، فرید، انحرافات اجتماعی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۸۵.
- ۶- منتسکیو، ترجمه: علی اکبر مهتدی، روح القوانین، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲.
- ۷- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جامعه‌شناسی جنایی، ۱۳۷۸ (جزوه درسی دوره کارشناسی حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تدوین: محمدی، موسی زاده و عباسی).
- ۸- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جامعه‌شناسی جنایی، ۱۳۷۴ (جزوه درسی دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده علوم سیاسی تهران، تدوین: رزیتا دارویی).
- ۹- نجفی ابرندآبادی؛ علی حسین، جرم‌شناسی، ۱۳۷۰، جزوه درسی دوره کارشناسی حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده علوم سیاسی تهران، تدوین: غلامرضا جلالی)
- ۱۰- نجفی ابرندآبادی؛ علی حسین، جرم‌شناسی، ۱۳۸۱، جزوه درسی دوره کارشناسی حقوق دانشگاه امام صادق (ع)، تدوین: حمید بهر مند.
- ۱۱- ولیدی، محمد صالح، تحلیلی از شرایط محیط طبیعی و اجتماعی استان کردستان در ارتباط با بزهکاری، انتشارات دانشگاه پلیس، تهران، ۱۳۵۸.
- 12- Joseph, Cohen, The Geography of Crime Annals of the American Academy of Political and Social Science, Vol. 217, Crim in th United